

ممنوعیت ناقص سازی جنسی به مثابه خشونت علیه زنان، با تأکید بر معیارهای بین المللی و حقوق بشری

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN
GOOGLESCHOLAR.ENSANI
www.jaml.ir

سال ۱۴۰۴، سال ششم، شماره ۲۲،
صفحات ۱۴-۱

دانش آموخته ی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحدقم (نویسنده

الهه اسلامی

مسئول) elaheheslami1997@gmail.com

دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، عضو هیأت علمی گروه حقوق و فقه در پژوهشکده تحقیق و توسعه

مهرداد رایجیان اصلی

علوم انسانی. m.rayejian@samt.ac.ir

چکیده

ناقص سازی جنسی زنان به مجموعه ای از اقدامات اشاره دارد که به آسیب رساندن یا حذف بخشی از دستگاه تناسلی زنان به دلایل غیر پزشکی و فرهنگی می پردازد. این اعمال به عنوان نوعی خشونت و تبعیض علیه زنان تلقی می شوند و جامعه بین المللی با استناد به اصول حقوق بشری، تلاش می کند تا این اقدامات را ممنوع و متوقف کند. ناقص سازی جنسی زنان باعث آسیب های جدی و غیر قابل جبرانی در ابعاد جسمی، جنسی، روانی و اجتماعی می شود و اثرات آن ممکن است تا پایان عمر باقی بماند. این پدیده به ویژه در قاره های آفریقا و آسیا شایع است و به یکی از موضوعات نگران کننده جامعه بین المللی تبدیل شده است. با این حال، تلاش های بین المللی در زمینه حقوق بشر، از جمله آگاه سازی و آموزش، توانسته اند تعدادی از زنان را از این سرنوشت نجات دهند. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی مفهوم خشونت جنسی علیه زنان و ناقص سازی جنسی آنان بر اساس استانداردهای بین المللی و حقوق بشری می پردازد. همچنین نقش دولت ها و سازمان های بین المللی در ممنوعیت این پدیده را مورد بررسی قرار می دهد. نتیجه گیری مقاله نشان می دهد که ناقص سازی جنسی زنان نقض حقوق بنیادین بشری، از جمله حق سلامت، است و برای جلوگیری از این اقدامات نیاز به تلاش های جدی تری از سوی دولت ها، سازمان ها و نهادهای بین المللی وجود دارد. علاوه بر این، دولت ها باید توصیه های نهادهای حقوق بشری بین المللی را در این زمینه اجرایی کنند تا بتوانند به طور مؤثرتری با این پدیده مبارزه کنند و حقوق زنان را حفظ نمایند. افزایش همکاری های بین المللی و تقویت قوانین ملی نیز از جمله راهکارهای ضروری برای کاهش این اقدامات می باشند.

ناقص سازی جنسی زنان، خشونت علیه زنان، حق بر سلامت زنان، حقوق بین الملل بشری، حقوق

کودکان.

واژگان کلیدی:

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2025, Sixth year, Issue 22

Pages 1-14

Prohibition of female genital mutilation as violence against women, with emphasis on international standards and human rights

Elahe Eslami Master's degree in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Qom Branch
(Corresponding author) elaheheslami1997@gmail.com

Mehrdad Rajjian Asli PhD in Criminal Law and Criminology, faculty member of the Law and Jurisprudence Department at the Institute for Research and Development of Humanities. m.rayjjan@samt.ac.ir

Abstract

Female genital mutilation refers to a set of practices that damage or remove part of the female genitalia for non-medical and cultural reasons. These practices are considered a form of violence and discrimination against women, and the international community, citing human rights principles, is trying to prohibit and stop these practices. Female genital mutilation causes serious and irreparable harm in physical, sexual, psychological and social dimensions, and its effects may last a lifetime. This phenomenon is especially prevalent in the African and Asian continents and has become a matter of concern to the international community. However, international efforts in the field of human rights, including awareness-raising and education, have been able to save a number of women from this fate. This article uses a descriptive-analytical method to examine the concept of sexual violence against women and their genital mutilation based on international standards and human rights. It also examines the role of governments and international organizations in prohibiting this phenomenon. The conclusion of the article shows that female genital mutilation is a violation of fundamental human rights, including the right to health, and that more serious efforts are needed from governments, organizations, and international institutions to prevent these practices. In addition, governments should implement the recommendations of international human rights institutions in this regard in order to combat this phenomenon more effectively and protect women's rights. Increasing international cooperation and strengthening national laws are also essential solutions to reduce these practices.

Keywords: Female genital mutilation, violence against women, women's right to health, international human rights, children's rights

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

زبان عربی، واژه "ختنه" به طور مشترک برای ختنه مردان و زنان به کار می‌رود، و هر دو این واژه‌ها به معنای قطع و بریدن بخشی از اندام تناسلی استفاده می‌شوند. از این رو، استفاده از اصطلاح "ختنه" برای زنان نیز به منظور توصیف فرایند ناقص سازی جنسی زنان صورت می‌پذیرد. این تحلیل نشان می‌دهد که فرآیند ناقص سازی جنسی، شامل ختنه زنان نیز، به عنوان یک پدیده جامعه‌شناختی و فرهنگی، در برخی از جامعه و فرهنگ‌ها وجود دارد. این مسئله نشان دهنده اهمیت بررسی و مطالعه عمیق‌تر این موضوع از جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، و حقوقی است تا بتوان راهکارهایی برای پیشگیری و مقابله با این پدیده ارائه نمود (این منظور، ۱۴۱۰، ص ۱۱۰).

مفهوم ناقص سازی جنسی زنان یا ختنه زنان در زبان انگلیسی از آن جهت مهم است که سازمان‌های حقوق بشر و قوانین غربی با توجه به مفهومی که از ختنه ارائه داده‌اند، حکم به ممنوعیت ختنه زنان کرده‌اند. استفاده از لفظ «مثله کردن زنان» منتقدینی داشته است. منتقدین استدلال می‌کنند: این واژه تحقیرآمیز بوده است زیرا قصد آزار دادن و مثله کردن را به کل افراد جامعه نسبت می‌دهد (درحالی که چنین چیزی در بیشتر مورد صحت ندارد) و ممکن است زنانی که تحت این عمل قرار گرفته‌اند و خود را مثله شده نمی‌یابند و خانواده‌شان را مثله‌گر نپندارند، این توصیف را توهینی به خود و خانواده‌شان بنپندارند. گروه فعالان زن آفریقایی برای تحقیق و توسعه، ضمن اعالم مخالفت با بریدن دستگانه تناسلی، استفاده از کلمه «مثله کردن جنسی زنان» را به شدت محکوم کرده و استفاده از اینگونه کلمات تحقیرآمیز را مصداق نژادپرستی و روحیه تخاصمی غربی دانسته است. از اواخر دهه نود عبارت (FGM)^۱ نیز در متون

خشونت علیه زنان یکی از چالش‌های مهم و جدی در جامعه جهانی است که تهدیدی جدی برای سلامتی و حقوق انسانی زنان به شمار می‌رود. این پدیده، به علت تأثیرات اساسی که بر بهداشت باروری، سلامت جسمی و روانی زنان دارد، به عنوان یک مسأله بهداشت عمومی و حقوق بشر مطرح است. ناقص سازی جنسی، به عنوان یکی از ابعاد خشونت علیه زنان، مشکلی قدیمی است که ریشه در گذشته‌های دور دارد اما امروزه به عنوان یک موضوع مهم و مورد توجه در جامعه بین‌المللی شناخته می‌شود. این حصار فرهنگی به دلیل سنت‌ها و رسوم نادرست موجود در جامعه سنتی، زنان و دختران را از بسیاری از لذت‌ها و نقش‌های مختلف در جامعه محدود می‌کند. در بسیاری از جامعه سنتی، زنان و دختران به دلیل فشارهای اجتماعی و خانوادگی، مجبور به انجام ناقص سازی جنسی می‌شوند؛ زیرا خانواده‌ها و شرایط اجتماعی آنها را ملزم به انجام آن می‌کنند. همچنین، به دلیل شناخته شدن ناقص سازی جنسی به عنوان یک سنت، بسیاری از خانواده‌ها مقید به انجام آن برای فرزندانشان خود هستند. جامعه بین‌المللی حقوق بشری و سازمان‌های مرتبط همواره به دنبال راه‌هایی برای شکستن این حصار و کمک به زنان و دختران در این زمینه می‌باشند. این تلاش‌ها شامل افزایش آگاهی، توسعه برنامه‌های آموزشی، اصلاح قوانین و تشویق به تغییر رفتارهای فرهنگی و اجتماعی است. از اهمیت بالای اقدامات جدی در این زمینه برای حفظ سلامتی و حقوق زنان و دختران بر آن می‌باشد. از آنجایی که در این فرایند، بخشی از اندام تناسلی را از بین می‌برند، اصطلاح "ختنه" برای هر دو جنس به کار می‌رود، به معنای محل بریدن اندام تناسلی. بر اساس تحقیقات و مطالعات در

¹ Female Genital Mutilation

بسیاری از افراد اعتقاد دارند که ناقص سازی جنسی زنان به دلیل موارد پزشکی صورت می‌گیرد و از منافع پزشکی برخوردار است. این اعتقادات ممکن است به سبب فرهنگ و باورهای متداول در برخی جامعه ایجاد شود، اما از نظر سازمان بهداشت جهانی، هیچ اثباتی بر اینکه ناقص سازی جنسی منجر به بهبود سلامت زنان و دختران می‌شود، وجود ندارد. به عنوان یک عمل غیرقانونی و ناخوشایند، ناقص سازی جنسی باعث آسیب جسمی، روانی و جنسی جدی به زنان و دختران می‌شود. عوارض این عمل ممکن است شامل عفونت‌های مزمن، خونریزی، مشکلات در روابط جنسی، عقب‌ماندگی جنسی، آسیب به روحیه، و در برخی موارد حتی مرگ باشد. با توجه به شواهد علمی و تأکید سازمان‌های بهداشتی بین‌المللی، تشویق به ناقص سازی جنسی زنان و دختران از جمله مصداق‌های نقض حقوق بشر و اصول اساسی حقوق زنان است. در نتیجه، باید توسعه و ترویج آموزش‌های بهداشتی و فرهنگی مناسب به جای این عمل نادرست و ضررآور راه‌حل مناسبی برای مقابله با مشکلات سلامتی زنان و دختران معرفی کرد، ناقص‌سازی جنسی زنان، یکی از نقض‌های جدی حقوق بشر و به خصوص حقوق دختران و زنان در مقیاس بین‌المللی محسوب می‌شود. این پدیده نه تنها باعث کاهش کیفیت روابط جنسی و خودبخشی زنان می‌شود، بلکه یکی از اشکال مهم و جدی تبعیض علیه زنان است. از آنجایی که ناقص‌سازی جنسی به کودکان هم اعمال می‌شود، به نقض حقوق کودکان نیز تلقی می‌شود. انجام ناقص‌سازی جنسی، حقوق اساسی زنان را به شدت تضعیف می‌کند؛ زیرا این اقدام باعث زیر سؤال بردن حقوق سلامتی، حقوق امنیت و حقوق بدنی زنان می‌شود. این عمل با انجام یک شکنجه غیرانسانی و ظالمانه قابل تلقی است و به نوعی تأیید و تشویق رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز می‌باشد. به علاوه، این اقدام باعث خدشه به حق زندگی می‌شود، به‌ویژه زمانی که این عمل منجر به مرگ یا عوارض جدی سلامتی می‌گردد. بنابراین، لازم است که

علمی و تحقیقاتی مورد استفاده قرار گرفته است (بسامی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۷۴).

از این رو، این دو پرسش که ناقص سازی جنسی زنان بر چه اساسی از دیدگاه حقوق بین الملل بشر ممنوع شده است و سازمان ها و نهادهای بین المللی چه اقداماتی در این مورد اتخاذ نموده اند؟ در مقاله پیش رو مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرند.

۱. ناقص سازی جنسی

در این بخش از مقاله، به بررسی مفهوم ناقص سازی جنسی، مخصوصاً ختنه زنان، از منظر لغوی می‌پردازیم.

۱-۱. تعریف ناقص سازی جنسی

در زبان عربی، واژه "ختن" به معنای قطع و بریدن است و به عنوان واژه‌ای که برای توصیف بریدن بخشی از اندام تناسلی مردان و زنان استفاده می‌شود، شناخته می‌شود. بریدن آلت تناسلی زنان، که به عنوان ناقص سازی جنسی شناخته می‌شود، شامل همه روش‌های برداشت جزئی یا کلی از بخش خارجی دستگاه تناسلی زنان بدون دلیل خاص پزشکی است. این عمل، یک عمل سنتی است که معمولاً در جامعه بر عهده دارد و اغلب به عنوان یکی از ارزش‌های مهم اجتماعی در نظر گرفته می‌شود و به طور عمومی در نوزادان تازه متولد شده انجام می‌شود (جمالی و ذوالفقار طلب، ۱۳۹۳، ص ۱۲۵).

ناقص‌سازی جنسی دختران و زنان، عملی است که طی آن اندام تناسلی دختر برداشته می‌شود. ناقص‌سازی می‌تواند در زمان نوزادی یا طی دوران کودکی، نوجوانی و یا در زمان ازدواج انجام شود. گاه این عمل به عنوان قطع اندام جنسی دختران و زنان یا ختنه نیز نامیده می‌شود، هر چند، هیچ شباهتی به ختنه پسران و مردان ندارد. بر اساس میزان برشی که صورت می‌گیرد، ناقص‌سازی انواع مختلفی دارد که شامل چهار نوع می‌شود. نوع این کار ممکن است به سنت جامعه و دلیل عمل بستگی داشته باشد (حاجی فقها و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۳).

و دختران انجام دهند و به دنبال ترویج آگاهی درباره خطرات و عواقب ختنه برای بهبود وضعیت حقوقی و سلامتی زنان باشند(کلی^۱، ۲۰۱۷، ص ۳).

ناقص سازی جنسی یکی از اشکال خشونت جسمی علیه زنان است که در بسیاری از جامعه، به خصوص جامعه سنتی، ریشه دار است. جامعه بین المللی به دنبال مبارزه با این پدیده است که از آن مخمصه ای از سنتها و فرهنگهای گذشته می باشد. کنوانسیون های حقوق بشر، اعلامیه های حقوق بشر، کتابها، اجلاس های بین المللی، سخنرانی ها، و تشکل های غیردولتی بین المللی، همگی به دنبال مبارزه با ناقص سازی جنسی زنان می باشند. زنانی که قربانیان جامعه سنتی هستند، به دلیل شرم و یا توجه به ناقص سازی جنسی به عنوان قسمتی از حیا و عفت زنان، اغلب کمتر توانایی برای مبارزه یا اطلاع رسانی درباره این موضوع را دارند. اما با گذشت زمان و حمایت های جامعه بین المللی، این تابوی فرهنگی روز به روز کمتر می شود و فرصت برای مبارزه زنان با ناقص سازی جنسی زنان گسترده تر می شود. حمایتی که از سوی جامعه بین المللی و اسناد بین المللی به زنان در برابر ناقص سازی جنسی ارائه شده است، پیامدهای مثبتی برای جامعه داشته است. در بسیاری از موارد، دولت ها و سازمان های ملی نیز اقداماتی را برای کمک به زنان در سرزمین خود انجام داده اند که اگرچه ناقص سازی جنسی زنان را به طور کامل از بین نبرده است، اما به طور قابل توجهی کاهش یافته است. تغییر باورها و سنت های غلط نیازمند زمان بوده و به همراه حمایت های مداوم صورت می پذیرد. این حمایت ها را می توان در اسناد حقوق بشری سازمان ها و نهادهای بین المللی مشاهده نمود(حاجی فقها و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۳).

اجتماعات جهانی و دولت ها اقدامات لازم را برای جلوگیری از این پدیده ناپسند انجام دهند و حمایت قوی از حقوق زنان و دختران، از جمله عدم انجام ناقص سازی جنسی، را به عمل آورند. ایجاد آگاهی در جامعه و ترویج ارزش های بشردوستانه و مساوی نیز از دیگر اقداماتی است که می تواند به کاهش این پدیده و بهبود وضعیت حقوق بشر و حقوق زنان کمک کند.

۱-۲. ممنوعیت ناقص سازی جنسی زنان

ختنه کردن دختران و زنان یکی از روش های ناقص سازی جنسی است که در آن بخشی از اندام تناسلی زنان بریده می شود. این فرایند از نظر شدت و مدت زمان می تواند متفاوت باشد؛ از بریدن بخشی از لبهای کوچک تناسلی تا بریدن کامل لبهای کوچک و بزرگ و یا هر دو. در بیشتر موارد، ختنه کننده بخشی از بافت تناسلی را از بین می برد و تنها یک سوراخ کوچک را باقی می گذارد که با بافت آسیب دیده احاطه شده است. نوع شایع ترین ناقص سازی جنسی زنان، بریدن کلیتوریس است که در آن کلیتوریس، عضوی حساس و با اهمیت در تحریک جنسی زنان، بریده می شود. دخترانی که تحت ختنه قرار می گیرند، با بزرگ شدن عوارض جدی در شرایط مختلف زندگی خود مواجه می شوند؛ این عوارض شامل خونریزی ماهانه، ازدواج و دخول جنسی، بارداری و زایمان می شوند که همگی به سلامتی و راحتی زنان آسیب می زنند. از آنجا که ختنه دختران و زنان می تواند باعث اختلال در وضعیت جنسی آنها شود، این اقدام به عنوان یک نوع ناقص سازی جنسی شناخته می شود. این پدیده باعث تضعیف حقوق جنسی و تناسلی زنان می شود و نقض جدی حقوق بشر و حقوق زنان به شمار می رود. بنابراین، لازم است که جامعه جهانی و دولت ها اقدامات لازم را برای ممنوعیت و جلوگیری از این نوع ناعدالتی علیه زنان

¹ Rebecca Clay

استانداردهای اساسی حفاظت از سلامت مرتبط می‌باشد (گنت و واگاری^۲، ۲۰۰۹).

۱-۲. ممنوعیت ناقص سازی جنسی زنان در چهارچوب اعلامیه جهانی حقوق بشر
اعلامیه جهانی حقوق بشر، که توسط سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ تصویب شد، تلاشی برای تعریف کلی از حقوق بشر بوده و نمایانگر دیدگاه جهانی از احترام به انسانیت برای همه افراد است، با این حال، این اعلامیه به طور موجزی درباره حقوق زنان بحث نشده است. ماده دوم این اعلامیه رعایت تمامی حقوق و آزادی‌های مندرج در آن را برای همه، بدون هیچ گونه تبعیضی، اعلام می‌کند، از جمله تمایز جنسی. با این حال، زمینه حقوق زنان، به ویژه در مواردی نظیر تجاوز و خشونت علیه زنان، به طور کامل در نظر گرفته نشده است. در این زمینه، ماده پنج این اعلامیه که از هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتاری ظالمانه، ضد انسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد، به طور عمده ارجاع داده می‌شود. با این حال، تفسیر این حقوق از دیدگاه زنان کمتر مورد توجه قرار گرفته است و در نتیجه، ما به طور کلی دسترسی محدودی به قوانین حقوق بشر بین‌المللی و تجربه عملی در این زمینه نداریم (حمیدی و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۱۸).

سازمان ملل متحد^۳ به عنوان یکی از بزرگترین سازمان‌های بین‌المللی، بر اساس مقررات منشور خود، به ارتقاء همکاری بین‌المللی با هدف ترویج احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، بدون تبعیض نژادی، جنسی، زبانی یا مذهبی، متعهد است. از زمان تأسیس، سازمان ملل متحد به حفاظت و ترویج حقوق بشر توجه ویژه‌ای داشته است. در دهه‌های اولیه فعالیت خود، سازمان ملل متحد بیشتر تمرکز خود را بر

۲. ممنوعیت ناقص سازی جنسی زنان در چهارچوب اسناد عام و خاص حقوق بشری
ناقص سازی جنسی زنان، به هر شکلی که باشد، به عنوان یک عمل مخرب و نقض حقوق بشر زنان و دختران شناخته می‌شود. حقوق بشر، شامل حقوق مدنی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است و در معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای تضمین شده است. بسیاری از معاهدات حقوق بشری نظارت بر انجام دولت‌ها در امور مربوط به این حقوق را فراهم می‌آورند. کمیته رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان، کمیته حقوق کودک و حقوق بشر به طور مداوم برای رفع ناقص سازی جنسی زنان فعالیت می‌کنند و توصیه‌هایی برای مبارزه با این پدیده به عنوان یک جرم و جنایت علیه زنان ارائه می‌دهند. کمیته رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان، توصیه‌هایی برای زنان قربانی ناقص سازی جنسی ارائه می‌دهد و از دولت‌ها می‌خواهد که اقدامات مؤثر و مناسبی را برای مبارزه، جلوگیری و محو کردن ناقص سازی جنسی زنان انجام دهند (تیلور^۱، ۲۰۰۳، ص ۱۵).

ناقص سازی جنسی زنان به طور جدی اصول حقوق بشر، نرم‌ها و استانداردهای آن را نقض می‌نماید. این نرم‌ها و استانداردها شامل اصول برابری و عدم تبعیض بر اساس جنسیت، حق داشتن زندگی تا زمانی که روش‌هایی متناسب و موافق با اصول حقوق بشر وجود داشته باشد، حق آزادی از شکنجه و مجازات‌های بی‌رحمانه و غیرانسانی و تحقیرکننده می‌باشند. امکان آسیب‌رساندن به بافت‌های سالم بدن با انجام ناقص سازی جنسی زنان توسط کادر ناصحیح و محلی، به ویژه در غیاب پزشک، وجود دارد. انجام ناقص سازی جنسی زنان در غیاب پزشک می‌تواند منجر به عواقب شدید برای سلامت جسمی و روانی آنان گردد. بدین ترتیب، ناقص سازی جنسی زنان به عنوان یک حق شخصی، با

³ United Nations

¹ Taylor

² Getnet M, wakgari D

آمده و در قوانین اساسی برخی از کشورها جای گرفته است. همچنین، مقدار زیادی از اصول مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، به عنوان معاهدات چند جانبه بین‌المللی در میثاق‌های مورد اشاره به عنوان حقوق معتبر و لازم‌الاجرا برای اعضای آن اعمال می‌شود. اعلامیه جهانی حقوق بشر که در تاریخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۴۸ تصویب شد، حاکی از این است که هر انسانی مستحق تمام حقوق و آزادی‌هایی است که در آن مورد تعیین قرار گرفته است، بدون تبعیض نژادی، جنسی، زبانی یا مذهبی، تولد یا وضعیت دیگری. این اعلامیه شامل ۳۰ ماده است که دو ماده اول اصول اساسی مرتبط با تمامی حقوق بشر را بیان می‌کنند، مواد ۳ تا ۲۱ به حقوق مدنی و سیاسی می‌پردازند و مواد ۲۲ تا ۲۷ به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اختصاص دارند. همچنین، سه ماده آخر مبنای حفظ حقوق بشر برای همگان را تأکید می‌کنند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲).

اعلامیه جهانی حقوق بشر، که در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مورد تصویب قرار گرفت، به عنوان یکی از مهمترین اسناد حقوق بشری، اقدامی جامع و بی‌تبعیض به سوی شناسایی حقوق بنیادین و انسانی افراد بشر، بدون توجه به جنس، ملیت، جنسیت، یا قومیت، می‌باشد. این اعلامیه، اهمیت تضمین رعایت حقوق بشر توسط دولت‌ها و کشورها را نیز تأکید می‌کند. شناسایی حقوق ذاتی تمامی اعضای جامعه بشری و تأکید بر حقوق یکسان و غیرقابل انتقال آن‌ها به عنوان اساس آزادی، عدالت، و صلح در جهان، اهمیت حمایت از حقوق انسانی از طریق اجرای قوانین، و تجدید ایمان مردم به ارزش فردی انسان و تساوی مقرر در منشور ملل متحد، همچنین تعهد دولت‌ها به احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی با همکاری سازمان ملل، از جمله اهداف مهمی است که در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق

روی تعریف مفهوم "حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین" و تدوین اسناد بین‌المللی، با تأکید بر اصول و معیارهای عمومی، گسترده و متعارف، قرار داده است. از جمله دستاوردهای اولیه این سازمان، تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در تاریخ دهم دسامبر ۱۹۴۸ بود که به عنوان یکی از اهمیت‌های اصلی در حوزه حقوق بشر محسوب می‌شود.

تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط مجمع عمومی سازمان ملل، آغازی بود برای ایجاد یک استاندارد مشترک برای همه افراد و ملت‌ها، و تأکید بر این بود که تمامی کشورهای عضو باید به شناخت و رعایت حقوق و آزادی‌های مندرج در آن اعلامیه متعهد شوند. این اعلامیه به عنوان یکی از مکمل‌های منشور ملل متحد ارائه شد، زیرا مواد منشور ممکن بود که به تفسیرهای مختلفی منجر شوند و نتوانند به طور کامل حقوق و آزادی‌های بشر را تبیین کنند. در نتیجه، اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان یک اسناد قانونی مهم و الزامی در حوزه حقوق بشر، ارزش و اهمیت بیشتری پیدا کرد. تغییر در ماهیت حقوقی اعلامیه جهانی حقوق بشر به مرور زمان صورت گرفت. این تغییرات به نظر برخی از حقوق دانان به دلیل اینکه حقوق بشر از ریشه در عرف جهانی نشأت می‌گیرد و قبل از تصویب اعلامیه نیز برخی از این عرف‌ها در دولت‌های اروپایی وجود داشته است، قابل توجیه است. اعلامیه جهانی حقوق بشر، امروزه به عنوان یکی از اسناد قانونی مهم و اساسی در حوزه حقوق بشر شناخته می‌شود که نقش بسزایی در ترویج و حفاظت از حقوق بشر در سراسر جهان ایفا می‌کند (ادوارد و دیگران^۱، ۲۰۱۳، ص ۱۵۱).

بر اساس نظر برخی از حقوق دانان (زمانی و بذار، ۱۳۹۹)، در شرایط کنونی، به دلیل عملکرد دولت‌ها، اصول مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر به صورت عرفی در جامعه بوجود

¹ E. Edouard

زنان» اشاره نمی‌گردد، اما در برخی از اسناد بین‌المللی از عبارت (ختنه زنان^۱) استفاده شده است که معادل (ختنه زنان) بوده و در برخی دیگر از اسناد بین‌المللی از عبارت (قطع عضو جنسی زنان^۲) استفاده شده که معادل عبارت (قطع عضو جنسی زنان و یا مثله کردن آلت تناسلی زنان) است. به طور کلی، در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، ضمن نفی و طرد هرگونه خشونت و استثمار نسبت به سلامت جسم و روح و جان کودکان و زنان، بر لزوم پرهیز از آن و شناسایی حقوق برابر آنها و منع هرگونه تبعیض و لزوم تضمین اساسی و همه‌جانبه حقوق آنها از سوی دولت‌ها تاکید شده و بر ضرورت تصویب قوانین ملی دولت‌ها و کشورهای در جهت ممنوعیت و سلب هرگونه خشونت نسبت به آنها تاکید دارد (آخوندی و جاهد، ۱۳۹۱، ص ۱۱).

اکثر قواعد حقوق بشری بر اساس قراردادهایی که دولت‌ها بعد از جنگ جهانی دوم میان خودشان منعقد کرده‌اند، به وجود آمده است. به طور کلی این معاهدات به دنبال ایجاد استانداردهای جهانی به وسیله به رسمیت شناختن حقوق بنیادی و نیاز به تالش دولت‌ها و انجام اقدامات الزم برای اطمینان از اینکه این حقوق بشری محترم شمرده شوند، منعقد شده‌اند. این استانداردهای حقوق بشری توسط خود دولت‌ها ایجاد شده است و به همین دلیل است که کلید توسعه هنجارهای حقوق بشری شناخته می‌شوند. در سطح ملی، ممکن است قوانین و سیاست‌های یک کشور مشمول قواعد حقوق بشری گردد. این قواعد داخلی که موافق با هنجارهای بین‌المللی حقوق بشری هستند؛ مهمترین ابزار برای تفسیر و توسعه استانداردهای حقوق بشری بین‌المللی است. علی‌رغم تالش گسترده در زمینه حقوق بشر برای رفع نگرانی‌های اجتماعی، بازم ابزارهای تحقق حقوق بشر محدود هستند. دادگاه‌های ملی اولین قدم با به اجرا در

بشر به آن اشاره شده است. با توجه به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر دارای محدودیت جغرافیایی نیست و مفاد بین‌المللی آن در آن روی گرفته است، قبولی آن به عنوان یک عرف بین‌المللی در حقوق بین‌المللی الزامی برای دولت‌ها محسوب می‌شود. بنابراین، با توجه به الحاق دولت ایران به منشور ملل متحد و امضای اعلامیه جهانی حقوق بشر، شناسایی، رعایت و تضمین حقوق بشری مشخص شده در آن، شامل نکاتی مانند جلوگیری از ناکامی جنسی زنان و دختران و پایان دادن به خشونت علیه آنها، انتظار می‌رود (ساک، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲).

ناقص‌سازی جنسی زنان که آسیب جسمی قابل توجهی به آنان وارد می‌سازد، اغلب ریشه در فرهنگ و سنت مردمی دارد که به آن مبادرت می‌کنند. از منظر حقوق بین‌الملل بشر، افراد محق هستند تا به باورهای فرهنگی خود بپردازند، اما این اقدام همزمان در مغایرت با برخی حق‌های بشری از جمله حق بر سلامت، حق بر رهایی از تبعیض براساس جنسیت، حق بر تولید مثل و حق بر رهایی از شکنجه، رفتار ظالمانه و غیرانسانی است؛ از این رو در حقوق بین‌الملل، ناقص‌سازی جنسی زنان شکنجه یا رفتار غیرانسانی قلمداد می‌شود که حق پناهندگی برای قربانیان آن به رسمیت شناخته شده است.

۲-۲. ممنوعیت ناقص‌سازی جنسی زنان در چهارچوب میثاق حقوق مدنی و سیاسی
اسناد حقوق بین‌الملل بشر نوعاً مبتنی بر اسناد معاهداتی و اسناد غیر معاهداتی در کنار عرف و رویه مستمر دولت‌ها نسبت به قواعد حقوق بین‌الملل هستند. در این ارتباط، گرچه در عمده اسناد حقوق بشری به طور مشخص به موضوع «ختنه دختران و زنان» و «ناقص‌سازی جنسی

² Female Genital Mutilation

¹ Women Circumcision

۲-۳. ممنوعیت ناقص سازی جنسی زنان در چهارچوب کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان حقوق زنان، حقوق بنیادین بشر است که توسط سازمان ملل متحد برای هر انسان تقریباً ۷۰ سال پیش تاسیس شد. حقوق بشر شامل حق زندگی بدون خشونت، بردگی و تبعیض، تحصیل، حق مالکیت، رای دادن، دستمزد عادلانه و برابر است. در حال حاضر معروف است که می گویند حقوق زنان، حقوق بشر است. با این حال در سراسر دنیا، زنان و دختران هنوز به دلیل جنسیتشان از بسیاری از حقوق بشر محروم می باشند. جامعه ی جهانی در تلاش است که زنان و دختران برای تحقق حقوق مندرج اعلامیه ی جهانی حقوق بشر مورد حمایت قرار گیرند. ناقص سازی جنسی زنان یک نقض آشکار حقوق بشر است و ناقص سازی جنسی زنان باید محو شود. حقوق بشر در صدد است که حق هر زن برای زنده ماندن و آزاد شدن از تبعیض صرف نظر از جنسیت او را مورد حمایت قرار دهد (الهویی نظری و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۸). کنوانسیون رفع همه ی اشکال تبعیض علیه زنان در واقع جامع ترین معاهده در مورد حقوق زنان است. این کنوانسیون هر گونه تبعیض علیه زنان را محکوم می نماید و به طور کل حقوق سیاسی و اجتماعی، فرهنگی و مدنی را برای زنان، در سطحی برابر با مردان، تضمین می نماید. کنوانسیون رفع همه ی اشکال تبعیض علیه زنان تصریح می نماید که زنان صرف نظر از وضعیت تاهل آن ها، باید از لحاظ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوق مدنی در سطحی یکسان با مردان در جامعه قرار داشته باشند. این کنوانسیون به دولت ها این اجازه را می دهد که اقدامات ویژه ای برای دست یابی برابر حقوق مذکور بین زنان و مردان ایجاد شود. بر طبق این کنوانسیون دولت ها باید برای اصلاح الگو های اجتماعی و فرهنگی که عدم تبعیض را در جامعه تداوم بخشد، اقدامات موثر انجام دهند. این کنوانسیون دولت ها را ملزم می کند تا تمام قرارداد های خصوصی که

آوردن و محترم شمردن قواعد حقوق بشری است. برای ایجاد یک سیستم نظارتی در مورد رعایت شدن اصول حقوق بشری، روش گزارش شرایط توسط ملت های سراسر دنیا، بهترین شیوه ممکن است. این سیستم در واقع باعث تدوین حقوق بشر میشود و دولت ها را تشویق به رعایت هنجارهای حقوق بشری مینماید. سه سند از اسناد حقوق بشری از مهمترین اسناد حقوق بشری است. اولین آنها اعلامیه جهانی حقوق بشر و بعد میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و سپس میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است (قدیر و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۱۶). قویترین حمایت قانونی از حقوق زنان و دختران در برابر ناقص سازی جنسی زنان در معادات بالا و کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون حقوق کودک، مشاهده میشود. این معاهدات بین المللی به وسیله معاهدات منطقه ای مانند منشور حقوق بشر آفریقا و مردم (منشور بانجول) و کنوانسیون اروپایی حفاظت حقوق بشر و آزادی های اساسی حمایت و تقویت می شوند. تمامی کنوانسیون های حقوق بشری بین المللی و منطقه ای از حقوق زنان و دختران حمایت می کنند. اعلامیه ها و قطعنامه های تصویب شده بین دولتی سازمان های بین المللی مانند اعلامیه محو تمام اشکال خشونت علیه زنان که توسط مجمع عمومی تصویب شده است؛ ناقص سازی جنسی زنان را به عنوان خشونت علیه زنان معرفی کرده اند. ناقص سازی جنسی برای چندین دهه به عنوان یک خطر نسبت به سلامت زنان و دختران شناخته شده است (مولاوردی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۷). از دهه ۱۹۸۰ ناقص سازی جنسی به صورت کاملاً جدی نقض حقوق بشر به حساب آمد. موادی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده، هر چند که قواعدی عرفی و آمره هستند، ضمانت اجرایی چندانی ندارند اما با تصویب دو میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر، ضمانت اجرایی ضمانت اجرایی بیشتری پیدا کرده است.

ناقص سازی جنسی زنان به عنوان راهی برای کنترل زنان مورد استفاده قرار گیرد، در عین حال به عنوان عمل مجرمانه در هر جامعه به دلیل حفظ و دامن زدن به نابرابری جنسیتی شناخته شده است. ناقص سازی جنسی زنان به عنوان مکانیسمی برای اطمینان از وفاداری زناشویی و در واقع عملی برای تضمین بکارت زنان پیش از ازدواج بوده است.

۳. نقش و تعهدات دولت ها در محو ناقص سازی جنسی زنان وضع و اجرای قوانین در نظر گرفته شده اند تا اقدامات مضر موجود در جامعه پایان داده شوند اما گاهی این اقدامات توسط جامعه پذیرفته شده است و حتی پایدار شده است و به همین دلیل باعث ایجاد مجموعه ای از چالش ها خاص برای وضع و اجرای قوانین می شود. ناقص سازی جنسی زنان به طور گسترده به عنوان یک عمل مضر برای دختران و زنان و نقض حقوق بشر و زنان شناخته می شود. این موضوع نشان دهنده ریشه های عمیق در تبعیض علیه زنان و دختران در ساختار های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. ناقص سازی جنسی دارای اهداف اولیه برای انجام خشونت نیست اما به صورت جدی باعث می شود که زنان در صورت عدم انجام ناقص سازی جنسی زنان از جامعه طرد و دور شوند. ناقص سازی جنسی یک نگرش اجتماعی و امری پذیرفته شده در اجتماع است. خانواده ها و افراد از ناقص سازی جنسی زنان حمایت می کنند چرا که معتقدند که جامعه پشتیبان و حامی آن ها است و همچنین جامعه از زنان انتظار دارد که ناقص سازی جنسی را انجام دهند و تبعات آن را بپذیرند. در این میان خانواده هایی هم هستند که رضایت قلبی برای انجام ناقص سازی جنسی زنان ندارند اما مجبور به انجام آن هستند چون معتقدند در صورت عدم انجام ناقص سازی جنسی زنان در ابتدا به دخترانشان صدمه زده اند و آینده آنان را تباه کرده اند و دخترانشان دیگر شانس برای ازدواج ندارند. برای پایان دادن به ناقص سازی جنسی زنان باید به فکر تغییراتی در جامعه بود و به تبع تغییراتی که در جامعه ایجاد می گردد می شود به تغییراتی

باعث ایجاد محدودیت برای زنان می شود را نادیده بگیرند (مشهدی و کرمی، ۱۳۹۹).

دولت ها باید در زمینه ی رفع تبعیض در خانواده ها تلاش جدی به عمل آورند. این کنوانسیون نیاز به تاسیس خدمات اجتماعی مراقبت از کودکان را مورد توجه قرار داده است تا زنان بتوانند تعهدت خانوادگی خود را به همراه مسئولیت های کاری و نقش های اجتماعی خود انجام دهند. علاوه بر این موارد، این کنوانسیون خدمات بهداشتی غیر تبعیض آمیز برای زنان از جمله خدمات تنظیم خانواده برای زنان مهم تلقی می کند. کنوانسیون رفع همه ی اشکال تبعیض علیه زنان به مشکلات زنان روستایی مهم تلقی می نماید. قاچاق جنسی زنان و سو استفاده های جنسی از زنان توسط این کنوانسیون ممنوع اعلام شده است. به طور کل می توان ادعان نمود که کنوانسیون رفع همه ی اشکال تبعیض علیه زنان، یک کنوانسیون گسترش بنیادین حقوق بشر برای حمایت حقوق زنان است (خاک، ۱۳۸۷، ص ۱۱).

حق آزادی از تبعیض جنسیتی در قواعد مختلف بین المللی حقوق بشر نهفته است. ماده ۱ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان تعریف گسترده ای از تبعیض علیه زنان دارد. در این اعلامیه عبارت "خشونت علیه زنان" به معنی هر عمل خشونت آمیز بر اساس جنس است که به آسیب یا رنجاندن جسمی، جنسی، یا روانی زنان منجر بشود، یا احتمال می رود که منجر شود، از جمله تهدیدات یا اعمال مشابه، اجبار یا محروم کردن مستبدانه زنان از آزادی، که در منظر عموم یا در خلوت زندگی خصوصی انجام شود. ناقص سازی جنسی زنان عملی است که باعث کنترل جنسی زنان می شود و به تبع آن باعث وابستگی زنان در جامعه می شود. هنگامی که زنان قربانی ناقص سازی جنسی می شوند، در واقع قربانی یک تبعیض جنسیتی شده اند که بر خورداری از حقوق اساسی و آزادی های اساسی را برای زنان مشکل می کند (هاجری و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۶).

مردم افزایش آگاهی دهند که ناقص سازی جنسی زنان تأثیری در ازدواج دخترانشان ندارد و خانواده های دختران را متقاعد کنند که بدون انجام ناقص سازی جنسی زنان، دختران باز هم می توانند ازدواج کنند و چه بسا که شرایط ازدواج دخترانشان بدون انجام عمل ناقص سازی جنسی پایدار تر نیز باشد (اخگری بناب، ۱۳۸۸).

علاوه بر موارد فوق در این باره که ناقص سازی جنسی زنان باید توسط کشورها به عنوان قانون ممنوعیت ناقص سازی جنسی شناخته شود و زمینه ایجاد چنین قانونی در جامعه مهیا شود، ناقص سازی جنسی را می توان به عنوان شکنجه نیز مورد بررسی قرار داد و انجام دادن ناقص سازی جنسی زنان را محکوم کرد. ناقص سازی جنسی زنان درد و رنج های فراوان جسمی و روحی برای قربانیان ناقص سازی جنسی زنان به همراه دارد. به دلیلی همین درد و رنج ها ناقص سازی جنسی زنان در سطح بین المللی ناقص حقوق بشر زنان به شکل شکنجه در حقوق بین الملل مورد توجه قرار گرفته است. امروزه در سراسر جهان تعداد زیادی از زنان و دختران در معرض ناقص سازی جنسی زنان قرار می گیرند و این عمل توسط افراد سنتی یا حتی پزشکان انجام می گیرد. با این وجود، در سراسر جهان بسیاری از کشورها معتقدند که ناقص سازی جنسی زنان یک عمل مضر است در بیشتر کشورها ناقص سازی جنسی زنان مجازات دارد و یا ممنوع است. همان طور که گفته شد در بسیاری از کشورها پیشرفت هایی برای ممنوعیت ناقص سازی جنسی انجام گرفته است اما باز هم ناقص سازی جنسی زنان در بسیاری از کشورها در حال پیشرفت و شیوع است (آخوندی و جاهد، ۱۳۹۱، ص ۱۱).

ناقص سازی جنسی، حداقل در ۲۸ کشور آفریقایی، در برخی جوامع مربوط به خاورمیانه و آسیا، و به طور فزاینده ای بین جوامع مهاجر در اروپا، نیوزلند، استرالیا، امریکا و کانادا صورت می گیرد. مطابق با آمار سازمان بهداشت جهانی، بین

در نحوه ی تصمیم گیری خانواده ها در مورد دخترانشان امیدوار بود.

یک چهار چوب قانونی به وضوح بیان می کند که شیوه های مضرى که در جامعه باب می شوند همیشه قابل قبول نیستند. در واقع این چهار چوب قانونی یک اقدامی است تا به این شیوه های مضر موجود در جامعه پایان داد. با این وجود، زمانی که ممنوعیت مواردی در جامعه مطرح می شود، زمانی این ممنوعیت در جامعه دیده می شود که نگرش مردم آن جامعه هم نسبت به موارد ممنوع شده تغییر کرده باشد. در غیر این صورت دید شده است که این قوانین نه تنها مانع از انجام آن اعمال می شود؛ بلکه باعث زیر زمینی شدن آن اعمال می شود و این ممنوعیت در راستای هدف که برای آن وضع شده است یعنی محو آن اعمال از جامعه گام موثری بر نداشته است. بنابر این این چالش مهمی است که قوانین را به گونه ای تعریف کنیم و توسعه دهیم که معرفی و اجرای آن همراه با تغییر اجتماعی باشد، در این صورت است که می توان محو این اعمال را در جامعه مشاهده کرد. هنگامی که این دست از برنامه ها که برای محو عملی در جامعه صورت می گیرد؛ همراه با برنامه های آموزش حقوق بشر در جامعه باشد؛ توافق در مورد ممنوعیت این فعالیت ها در جامعه تقویت می گردد و ایجاد یک روش قانونی برای ترویج ممنوعیت آن عمل بسیار موثر است.

یکی از این فعالیت ها که در جامعه بسیار ی ریشه دوانده است و ممنوعیت آن مستلزم تغییر نگرش جامعه و قانون گذاری است، ناقص سازی جنسی زنان است. با توجه به اطلاعاتی که سازمان ها و منابع قابل اعتماد در مورد آسیب های ناقص سازی جنسی زنان به آن اشاره کرده است و همچنین که ناقص سازی جنسی بر اساس یک تعهد و وظیفه ی دینی نیست، اقدامات قانونی می تواند یک عنصر تشویقی برای ترک ناقص سازی جنسی زنان در جامعه باشد. گروه هایی برای آموزش اطلاعات در مورد ناقص سازی جنسی زنان باید در جامعه تشکیل گردد تا این گروه ها به

بین المللی دولتی و غیر دولتی هستند. سازمان های بین المللی دولتی مانند سازمان ملل متحد، کمیساریای عالی حقوق بشر، برنامه مشترک سازمان ملل متحد در زمینه ایدز، برنامه پیشرفت و توسعه سازمان ملل متحد، کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آفریقا، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد، صندوق جمعیت سازمان ملل متحد، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، صندوق کودکان سازمان ملل متحد، صندوق توسعه ی ملل متحد برای زنان، سازمان بهداشت جهانی همه و همه در راستای مبارزه با ناقص سازی جنسی زنان اقدامات مهمی انجام داده اند. سازمان های بین المللی منطقه ای مانند اتحادیه اروپا در محو و ممنوعیت ناقص سازی جنسی زنان در منطقه اروپا نقش عمده ای داشته است. ممنوعیت ناقص سازی جنسی زنان در هر کشور خود باعث ایجاد انگیزه برای زنان کشور های دیگر برای مبارزه با ناقص سازی جنسی زنان است. قربانیان ناقص سازی جنسی زنان از سوی سازمان های بین المللی غیر دولتی و دولتی حمایت می شوند. سازمان های بین المللی غیر دولتی در سراسر جهان در جهت محو ناقص سازی جنسی زنان فعالیت می کنند. این سازمان ها با ایجاد شرایط مناسب برای تغییر نگرش در مورد ناقص سازی جنسی فعالیت می کنند. مبارزاتی که سازمان های بین المللی غیر دولتی انجام می دهند عرصه ها و نوع های متنوعی را در بر می گیرد و بیشتر این مبارزات تاثیر مهمی در تغییر نگرش نسبت به ناقص سازی جنسی زنان دارد و کمک به محو ناقص سازی جنسی زنان در سراسر جهان دارد.

با تأکید بر پرسش اصلی مقاله، نتایج و یافته ها نشان میدهد که ناقص سازی جنسی زنان ناقص حقوق بنیادین بشر زنان از جمله حق برخورداری از سلامت کامل است و منع به

۱۰۰ تا ۱۴۰ میلیون از زنان و دختران سراسر جهان تحت این عمل قرار گرفته اند. فقط در آفریقا، هر ساله حدود سه میلیون کودک دختر با خطر عمل ناقص سازی جنسی مواجه هستند. زیرا این عمل در قاره آفریقا بیشتر شایع است^۱. نتیجه گیری

ناقص سازی جنسی زنان مسئله ی پیچیده ای است که عموماً کشور ها برای حل آن از نهاد ها و سازمان های بین المللی کمک می گیرند اما محو ناقص سازی زنان به همکاری متقابل ملی و بین المللی نیازمند است. سازمان های بین المللی مانند سازمان ملل متحد و سازمان های منطقه ای مانند اتحادیه اروپا از کشور ها خواسته اند تا قوانینی برای ممنوعیت ناقص سازی جنسی زنان وضع نمایند. کنوانسیون های بین المللی مانند کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان نیز از دولت ها خواستار وضع و اجرای قوانینی درباره ممنوعیت ناقص سازی جنسی زنان شده است. کشور های زیادی امروزه بریا محو و ممنوعیت ناقص سازی جنسی زنان دست به وضع قوانین زده اند. در مورد اجرای قوانین مربوط به ناقص سازی جنسی زنان نیز، ضمانت اجرایی دیده می شود. آنچا از وضع قوانین و اجرا آن مهم تر است ایجاد یک بستر مناسب در جامعه برای پذیرش قانون ممنوعیت ناقص سازی جنسی زنان است. در کشور های مختلف علاوه بر تصویب قانون ممنوعیت ناقص سازی جنسی زنان، برای تغییر نگرش جامعه نسبت به ناقص سازی جنسی زنان تلاش می شود. افزایش آگاهی مردم در مورد عوارض ناقص سازی جنسی زنان و همچنین تغییر و مخالفت با سنت های مرسوم در جامعه، روشن سازی عدم ارتباط دین با ناقص سازی جنسی زنان از جمله عواملی است که به تصویب و اجرای قانون ناقص سازی جنسی زنان کمک های شایانی می کند. دیگر بازیگران مهم عرصه جامعه ی بین المللی سازمان های

¹ <https://www.stopfgmIran.com>

۲. اخگری بناب، نادر. (۱۳۸۸). «جرم‌انگاری خشونت جنسی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، حقوق اسلامی، شماره ۲۳.
۳. آخوندی، محمود؛ جاهد، محمدعلی، حقوق جهانی، از تئوری تا عمل با تأکید بر جهانی شدن حقوق بشر، پژوهش حقوق، شماره ۳۶، ۱۳۹۱.
۴. بسامی، مسعود، پاشایی طاهره؛ قره تپه، شهناز؛ قره تپه، آمنه، «ختنه زنان از دیدگاه فقه»، حقوق و پزشکی، فقه پزشکی، شماره پنج، ۱۳۸۹.
۵. جمالی، محمد؛ ذوالفقار طلب، مصطفی، «ختنه زنان از دیدگاه مذاهب فقهی، فصلنامه فقه پزشکی»، سال ۶، دوره ۱۹، ۱۳۹۳.
۶. جمعی از نویسندگان، «تقویت همکاری بین‌المللی در زمینه حقوق بشر»، دانشگاه تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۲.
۷. حاجی فقها، محبوبه؛ سیمبر، معصومه؛ گل‌داز، سمیرا؛ علی زاده، شیوا، «ختنه دختران الزام دینی یا اجبار فرهنگی؟ زنان مامائی و نازائی ایران»، دوره ۱۹، شماره ۲۵، ۱۳۹۵.
۸. حمیدی، فریده، قاسمیان، پروانه، صباغ نو، سولماز، «حقوق زنان حقوق بشر»، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۵.
۹. خاک، روناک، «جرم‌انگاری خشونت جنسی در حقوق بین‌الملل کیفری»، حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۹، ۱۳۸۷.
۱۰. زمانی، سید قاسم، بذار، وحید، «ناقص سازی جنسی زنان از منظر موازین حقوق بین‌الملل بشر»، دوفصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی / دوره نهم، شماره نوزدهم، ۱۳۹۹.
۱۱. ساکی، محمد رضا، «ضمانت اجرا کیفری جرایم علیه حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه»، دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۴۵ و ۴۴، ۱۳۸۷.
۱۲. قدیر، محسن؛ مهدوی، زهرا؛ ستایش پور، محمد، «حمایت از زنان در مقابل خشونت جنسی (واکوی اسناد نسل‌های چهارگانه محاکم بین‌المللی کیفری)»، فقه و حقوق خانواده، شماره ۶۹، ۱۳۹۷.
۱۳. مشهدی، علی؛ کریمی، موسی، «حمایت از زنان در برابر خشونت در پرتو کنوانسیون ۲۰۱۱ استانبول در خصوص پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان»، حقوق عمومی، شماره ۲، ۱۳۹۹.
۱۴. مولوردی، شهیندخت، موازین بین‌المللی حقوق زنان، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۶.
۱۵. هاجری، عبدالرسول؛ کاوه مریان، میترا؛ آیت‌اللهی، زهرا، «بررسی سند بین‌المللی حقوق جهانی زنان»، روابط عمومی شورای فرهنگی-اجتماعی زنان، تهران، ۱۳۹۳.
۱۶. الهویی نظری، حمید؛ کورکی‌نژاد قرایی، مجید و آقاجانی رونقی، آیدا، «انسانی کردن نهاد حمایت کنسولی در پرتو حقوق بین‌الملل بشر؛ در پرتو رأی مشورتی شماره ۱۶ دیوان بین‌المللی حقوق بشر»، مطالعات حقوق عمومی، شماره ۲، ۱۳۹۹.

کارگیری آن به اقدامات جدی تری از سوی دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی نیازمند است. همچنین ضرورت دارد که دولت‌ها توصیه‌های مربوطه نهادهای مبتنی بر معاهدات بین‌المللی حقوق بشری را در این موضوع اجرایی کنند.

با در نظر گرفتن جمع بندی و نتایج بالا، پیشنهادها زیر قابل ارائه اند:

- ضرورت دارد که دولت‌ها توصیه‌های مربوطه نهادهای مبتنی بر معاهدات بین‌المللی حقوق بشری را در موضوع ناقص سازی جنسی علیه زنان، با تأکید بر معیارهای بین‌المللی و حقوق بشری اجرایی کنند.

- دولت‌ها مکلف شوند که با انجام اقداماتی از جمله جرم‌انگاری، تخصیص منابع مالی و افزایش آگاهی و آموزش افراد تلاش مقتضی خود را برای کاهش ناقص سازی جنسی زنان انجام دهند.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

- منابع
۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، جلد اول، چاپ اول، بیروت، انتشارات دار الفکر، ۱۴۱۰.

1. Clay, Rebecca, *Helping Victims of Female Genital Mutilation*, American Psychology Association, May ۲۰۱۷. Vol۴۸. No ۵, pp۳-۴.

2. Taylor V, female genital mutilation: cultural practice or child abuse? *pediatric nursing feb*; ۲۰۰۳. PP. ۱۵
3. Getnet M ,wagariD.;prevalence and associated factors of female genital sectional study: *BMC public Health*,g: DOI <https://doi.org/10.1186/1471-2458-9-264>
4. E. Edouard, O .Olatunbosun, L.Edouard,International Efforts on Abandoning Female Genital Mutilation, *African Journal of Urology*,۲۰۱۳,p۱۵۱.
<https://doi.org/10.1016/j.afju.2013.01.005>